



کتابخانه عمومی باید مواد خام و اطلاعات لازم را برای توسعه فرهنگی مؤثر در اختیار مردم بگذارند. منظور از «مؤثر» اطلاعاتی است که کاربرد عملی در زندگی فرد دارد؛ مثلاً اطلاع مؤثر فرد روستایی از کود شیمیایی آن است که وی بتواند اطلاعات فوق را عملاً بدون کمک کارشناس متخصص در استفاده از آن به کار بندد.

— برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— موارد زیر را می‌توان توصیه کرد:

۱. دقت در انتخاب کتب مورد توجه محیط اجتماعی خاص هر کتابخانه عمومی (برای هر محیطی کتابهایی که با زندگی عینی فرد رابطه بیشتری دارد انتخاب شود)؛
۲. توسعه هر چه بیشتر کتابخانه‌های عمومی؛
۳. تشکیل انجمنهای رسمی کتابخوانی؛
۴. برقراری کلاسهای آموزش کتابخوانی در کتابخانه‌ها و یا حتی در مدارس به عنوان واحد رسمی؛
۵. نوسازی کتابخانه‌ها با روشهای جدیدتر و سریعتر؛
۶. تجهیز کتابخانه‌ها به انواع وسایل جدید کمک آموزشی؛
۷. برقراری جلسات بحث و مناظره درباره کتابهای خاص؛
۸. تسری کار کتابخانه‌ها به سایر زمینه‌های اطلاعات و اطلاع‌رسانی؛

۹. تجهیز کتابخانه‌ها به جدیدترین کتابها؛

۱۰. ایجاد سرعت و سهولت در دستیابی مردم به کتابها و اطلاعات مورد نیازشان؛

۱۱. ایجاد امکانات مناسب مطالعه کتاب در کتابخانه‌ها.

در نهایت باید گفت شرایط مناسب توسعه فرهنگی در کتابخانه‌ها هنگامی پیش خواهد آمد که ساده‌ترین و آسانترین و سریعترین راه دستیابی فرد به اطلاعات مورد نظرش استفاده از کتابخانه‌ها باشد نه خرید کتاب. در چنین حالتی تمایل ناشران کتاب به سمت انتشار کتابهای جدید افزونتر خواهد شد و نه تجدید چاپ پی‌درپی کتابهایی که جز اتلاف منابع کشور نتیجه چندانی ندارد.

ابراهیم افشارزنجانی

کارشناس مؤسسه مطالعات علمی و فرهنگی

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— فکر می‌کنم رسالت کتابخانه عمومی در درجه نخست رساندن دانش و فرهنگ به عامه مردم است. منظور از دانش، علوم و فنونی است که آموختن آنها به افزایش و بهبود تولیدات و خدمات در اجتماع مدد می‌رساند و منظور از فرهنگ آن پیامهایی است که

فضیلت‌های اخلاقی را تقویت می‌کند، رابطه انسان را با اجتماع خود و دیگر انسانها بهبود می‌بخشد، و درک زیبایی را برایش میسر می‌سازد. منظور از عموم نیز، همه مردم هستند، آنجا که عام‌ترین نیازهای اطلاعاتی عملی و فرهنگی‌شان مطرح است. نکته قابل تأمل در باب رسالت کتابخانه عمومی، قابلیت آن است که به استفاده‌کننده امکان می‌دهد که مصرف‌کننده فعال اطلاعات باشد و برخلاف رسانه‌های دیگر، مثل تلویزیون و رادیو، که امکان چنین انتخابی در آنها محدود است، دایره انتخاب بسی وسیعتر است. و آن پراکندگی که در اطلاعات رادیو و تلویزیون از آن به عنوان «فرهنگ موزائیکی» یاد می‌شود، در اینجا به نوعی سامان و عمق دست یابد و امکان پرورش و آموزش فردی را میسر می‌سازد.

— برای توسعه فرهنگی چه تعریفی دارید؟

— از آنجا که فرهنگ فرآورده خاص جوامع انسانی است، توسعه آن را در نزد هر فرد انسانی می‌توان در عام‌ترین مفهوم، به معنای دور شدن وی از حیوانیت دانست. حیوانیتی که مرادف توحش، تنهایی و عدم بهره‌مندی از میراث معنوی انسانی است که

● درک تحولات و هماهنگی با آنها و پذیرش تغییر و انطباق با شرایط نوین از جلوه‌های توسعه فرهنگی به‌شمار می‌رود.

● اگر بتوان کتابخانه‌های عمومی کشور را به صورت مراکز فعالیت فرهنگی برای مردم درآورد، آرمان بزرگی حاصل شده است.

زمینه‌های تنظیم روابط درون جوامع و حسن سلوک مردمان را فراهم ساخته است. درک تحولات و هماهنگی با آنها و پذیرش تغییر و انطباق با شرایط نوین از جلوه‌های توسعه فرهنگی به‌شمار می‌رود. مرز توسعه فرهنگی در این تعریف از توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی جدا می‌شود.

— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر دارد آن نقش چیست و چگونه جلوه‌گر می‌شود؟

— کتابخانه عمومی یکی از نهادهایی است که می‌تواند از توسعه فرهنگی حمایت کند. نظام آموزش و پرورش رسمی، رادیو و تلویزیون و سینما، هر یک در توسعه فرهنگی عامل هستند. کتابخانه عمومی با در دسترس گذاشتن رسانه‌هایی که حامل پیامهای فرهنگی هستند به ترویج فرهنگ می‌پردازد. رسانه‌هایی که لااقل تا به امروز، بیشتر مورد توجه کتابخانه‌ها بوده است و تا آینده دوری نیز مورد توجه آنها خواهد بود، رسانه‌های مکتوب هستند. بدین ترتیب

گرفت این نوشته‌ها را در جایی نگهداری کند، کتابخانه به وجود آمد. مطمئناً کتابخانه‌های تمدن بین‌النهرین، مانند کتابخانه شهر نینوا، ابتدایی‌ترین نوع کتابخانه‌ها بودند. پس از زاده شدن کتابخانه، رد آن را می‌توان در تمام تمدنهای شناخته شده یافت. در مصر، در یونان و روم، در تمدن اسلامی، در تمدن غرب که بعد از رنسانس نضج گرفت، همه‌جا کتابخانه وجود داشته است. رشد و شکوفایی کتابخانه‌ها دقیقاً مرتبط با رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن هر منطقه بوده است. هرچه فرهنگ و تمدن پربارتر، پیشروتر و زاینده‌تر بود کتابخانه‌ها هم بزرگتر می‌شد و با امکانات بیشتر جوابگوی مراجعه‌کنندگان بیشتر. اما در تمام این دوران هیچ وقت کتابخانه عمومی با این مفهومی که امروز می‌شناسیم وجود نداشته

● رشد و شکوفایی کتابخانه‌ها دقیقاً مرتبط با رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن هر منطقه بوده است.

است. هر چند که کتابخانه‌هایی یافت می‌شدند که درهای آنها به روی عموم باز بود، به خصوص در تمدن اسلامی — که حتی برای مراجعه‌کنندگان و مطالعه‌کنندگان تسهیلاتی مانند غذای مجانی و مکان خواب و استراحت رایگان فراهم بود — ولی باز کتابخانه عمومی در آن دوران به وجود نیامد. زیرا عموم که مردم عادی باشند سواد خواندن و نوشتن نداشتند و جامعه به آن حد از پیشرفت اقتصادی نرسیده بود که بتواند اوقات فراغت برای آنها فراهم کند تا امکان استفاده از کتابخانه را داشته باشند.

کتابخانه عمومی اساساً در قرن نوزدهم و بیستم میلادی در تمدن غرب پای به عرصه گذاشت. جایی که به مرور اوقات فراغت و دموکراسی به مفهوم امروزی به وجود آمد و کتاب چاپی نسبتاً ارزان و زیاد بود، در جایی که سوادآموزی برای عموم به سمت اجباری شدن پیش می‌رفت. در آن شرایط بود که کتابخانه عمومی به وجود آمد.

همانطور که می‌دانیم نهادها، سازمانها و مؤسسات در جامعه از روی هوی و هوس پدیدار نمی‌شوند. اگر هم چنین باشند دیری نمی‌پایند حال آنکه کتابخانه‌های عمومی لااقل دو قرن قدمت دارند. پس اگر سازمانی به نام کتابخانه عمومی پا می‌گیرد، می‌ماند و تناور می‌شود مطمئناً رسالتی به عهده دارد. علمای کتابداری در غرب رسالت‌های مختلفی را برعهده کتابخانه عمومی می‌دانند. از آن جمله می‌توان از گردآوری و نشر دانش، پر کردن اوقات فراغت، آموزش و اطلاع‌رسانی نام برد. اما از این میان آنچه بیشتر مورد تأکید آنهاست مسأله آموزش است و از ترکیب همین دو عامل آموزش و عموم است که رسالت کتابخانه عمومی پیدا می‌شود. اما سؤال اصلی اینجاست که چه آموزشی؟ مگر دبستان، دبیرستان و انواع آموزشگاههای حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای

کتابخانه‌ها به ترویج «فرهنگ نوشتاری» در جامعه می‌پردازند. این نقش به خصوص در مورد آن طیف وسیع از مردم اهمیت می‌یابد که خارج از نظام آموزشی جامعه قرار دارند. با توجه به اینکه توده‌های وسیع مردم به خاطر قدرت خرید ضعیف و یا رشدناافتگی فرهنگی نمی‌توانند به انتشارات جامعه دسترسی مطلوب داشته باشند، کتابخانه عمومی به عنوان تنها نهادی که این دستیابی را برای آنان میسر می‌سازد، اهمیت می‌یابد. اهمیت مضاعف کتابخانه عمومی را در کشورهایی که دارای درصد بالای جمعیت بی‌سواد و کم‌سواد هستند باید در کاهش نقش فرهنگ‌گفتاری به نفع فرهنگ نوشتاری دانست. فرهنگ نوشتاری حامل اطلاعات موثق‌تر، پویاتر و محققانه‌تری نسبت به اطلاعاتی است که در فرهنگ شنیداری چهره به چهره این گونه جوامع در حرکت است.

— چه پیشنهادی برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی دارید؟

— پیروی از رهنمودهای شناخته شده در کار کتابخانه‌های عمومی در مورد کتابخانه‌های عمومی ایران نیز برای کارآمدتر کردن آنها می‌تواند مفید باشد. اگر بتوان کتابخانه‌های عمومی کشور را به صورت مراکز فعالیت فرهنگی برای مردم درآورد، آرمان بزرگی حاصل شده است. این آرمان را می‌توان با فعالیتهای زیر تحقق بخشید:

۱. تخصیص بنای مناسب و ایجاد فضای مطبوع و مطلوب؛
۲. به کار گماشتن نیروی انسانی آموزش دیده و آگاه به رسالت کتابخانه عمومی؛
۳. چند رسانه‌ای کردن مواد کتابخانه‌های عمومی (وارد کردن مواد دیداری و شنیداری به آنها)؛
۴. متنوع کردن و متناسب کردن مواد کتابخانه با نیازها و علایق استفاده‌کنندگان همراه با لغو سیستم مجموعه‌سازی متمرکز فعلی و دادن اختیار انتخاب مواد به گروه‌های انتخاب‌کننده از میان اعضای هر کتابخانه؛
۵. رایگان کردن مطلق عضویت در کتابخانه‌های عمومی؛
۶. اجرای برنامه‌های فرهنگی سرگرم‌کننده در جنب کتابخانه‌های عمومی مانند برگزاری نمایش فیلم، برگزاری نمایشگاه‌های جذاب، مسابقه‌های سرگرم‌کننده، کنسرت و انواع دیگر ابتکاراتی که موجب جذب مردم به کتابخانه‌های عمومی شود و این کتابخانه‌ها را در مدار زندگی روزمره فرهنگی قرار دهد.

سعید اکبری‌نژاد

کارشناس سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— از زمانی که انسان نوشتن آموخت و از زمانی که تصمیم